

گزارش سازندگی از بخش بین‌المللی هشتمین جشنواره مد و لباس فجر که از ۲۵ تا ۲۸ بهمن ۱۳۹۷ در چابهار برگزار شد

قصه، قصه‌ی رازهای مگوی خانه‌هاست، قصه‌ی عاشقانه‌های بی‌پایان است. قصه‌ی هنرمندان بی‌ادعا که حالا مجالی فراهم شده تا در هشتمین جشنواره مد و لباس فجر آوازه‌یشان بلندتر از همیشه شنیده شود؛ از چابهار، از همان همیشه بهار.

خوشا مکران و نقش بی‌مثالش

چابهار خنک است، نه گرم است، نه سرد. انگار باد نرم و نازک بهاری است که در میانه‌ی زمستان جولان می‌دهد. مردها همه یک‌دست سفید پوشیده‌اند. به خنده می‌گویند لباس بلوچی ما پرچم صلح و آشتی است. زن‌ها اما غرق‌اند در رنگ و طرح و درخشش. تا چشم کار می‌کند سمفونی رنگ است و بازی نور. سر تا پایشان کبود و سرخ و نارنجی و خردلی و عسلی‌ست. می‌گویند مگر می‌شود از این رنگ‌ها گذشت؟

طبیعت اینجا را ببین، طلایی آفتاب را، درخشش آب را. راست می‌گویند، شاید برای همین است که شعار هشتمین جشنواره مد و لباس فجر «خوشا مکران و نقش بی‌مثالش» است؛ جشنواره‌ای که برای اولین بار، قرعه‌ی بخش بین‌الملل آن به نام چابهار خورده و تمرکز اصلی آن بر هنر سوزن‌دوزی زن‌های بلوچ است؛ جشنواره‌ای که ۲۵ بهمن و با حضور مدیرعامل منطقه آزاد چابهار، مدیرعامل موسسه توسعه هنرهای معاصر و سفیر کشور پاکستان افتتاح شد.

علاوه بر غرفه‌های داخلی، ۲۰ کشور به صورت مستقل در جشنواره شرکت کرده‌اند و بعضی‌ها هم به صورت مشترک با ایران. جلوی هر غرفه نام و نشان و پرچم کشورها مشخص است. بعد هم سبک و طرح‌های مختلف که البته فصل مشترک همه‌ی آنها سوزن‌دوزی است، درست‌ترش سوزن‌دوزی بلوچی.

در نمایشگاه زن‌ها بیشتر از مردها هستند، هم در غرفه‌ها و هم در بازدیدها. زن‌های بومی بلوچ که هر کدام دستی بر آتش سوزن‌دوزی دارند، اما با این حال چشم‌هایشان برق می‌زند از این همه تنوع طرح و رنگ که یک‌جا جمع شده است. می‌گویند سوزن‌دوزی را قبل از خواندن و نوشتن یاد می‌گیرند، قبل از مدرسه رفتن. انگار که الفبای اولشان باشد. می‌گویند سوزن‌دوزی بلوچی نوعی هندسه است. قبل‌ترها مادر بزرگ‌هایشان از روی تار و پود پارچه سوزن می‌زدند و صبوری می‌کردند تا نقش جان بگیرد و بالا بیاید، حالا اما بعضی‌ها مهر می‌زنند و تویش را پر می‌کنند.

یادگاری که تار او باشد

«تار اول» یکی از غرفه‌های پرطرفدار است. شاید بیشتر به واسطه‌ی کسی که در آن حضور دارد. ستاره اسکندری تنها زن بازیگر شرکت کننده در جشنواره است و سال‌هاست که در حوزه‌ی مد و پوشاک هم دستی دارد. او به «سازندگی» می‌گوید: «این نمایشگاه اتفاق مبارکی است؛ به ویژه اینکه چون بحث مد و لباس در جامعه ما با محدودیت‌هایی همراه است، رواج آن در فرهنگ‌ها و مناسبات مختلف خیلی جذاب است.»

اسکندری دغدغه‌اش قصه است و می‌گوید: «معتقدم ریشه‌های فرهنگی ما در تمام حوزه‌ها ضعیف شده و به نوعی در حال از بین رفتن است. فکر می‌کنم هیچ چیز به اندازه‌ی هنرهای نمایشی نمی‌تواند به زندگی مردم وارد شده و فرهنگ را منتقل کند. زنان بلوچ می‌توانند به این ماجرا کمک کنند، در نمایش‌ها از جمله در خیمه‌شب‌بازی که من مدتی است روی آن کار می‌کنم، می‌تواند عروسک‌هایی باشند که لباسشان برگرفته از سنت و آیین اینجاست و همین در انتقال فرهنگ و هنر این منطقه بسیار کمک می‌کند. لباس‌هایی که یک نشانه‌اند؛

نشانه‌ای از لباس‌های واقعی مردم. تاریخ در کتاب‌ها کمتر خوانده می‌شود، اما وقتی که آن را سینه به سینه نقل می‌کنیم، قصه‌ها و داستان‌های پشت نقوش لباس‌ها زنده می‌مانند.»

بعضی از طراحان لباس معتقدند که موضوع حجاب محدودیت‌هایی را برای آنها به همراه دارد. او در این باره می‌گوید: «تجربه‌ی این سال‌ها نشان داده که با خلاقیت می‌شود خیلی از محدودیت‌ها را کنار زد. به واسطه‌ی همین خلاقیت‌هاست که امروز برخلاف گذشته خیلی همسانی و یک‌دستی در لباس‌ها نمی‌بینیم. موضوع حجاب در مملکت ما یک اتفاق تاریخی است، پس تنها منوط به چهل سال بعد از انقلاب نیست. ما در قومیت‌های مختلف حجاب‌های متفاوتی داشتیم و داریم. با این‌حال معتقدم که از دل اجبار هم خلاقیت‌هایی به وجود می‌آید.»

مدرن کردن طرح‌ها ضروریست

سارا اسفندیاری، طراح مد و لباس که با نام تجاری آرسا فعالیت می‌کند، سطح کیفی جشنواره را به طرز قابل‌توجهی بالا می‌داند و به «سازندگی» می‌گوید: «البته از بعد تجاری نمی‌توانم نظری بدهم اما از نظر هنری و ارزش معنوی کارهایی که ارائه شده و کسانی که شرکت کرده‌اند، جشنواره بسیار فاخر است. وجود نمایشگاه‌هایی با سطح کیفی بالا در سلیقه‌ی پوشاک افراد خیلی تاثیرگذار است؛ هم مردم معمولی و هم طراحانی که در این منطقه کار و زندگی می‌کنند.» او با وسواس زیادی از سوزن‌دوزی بلوچ حرف می‌زند: «این مسئله از دو بعد قابل بررسی است؛ اول اینکه سوزن‌دوزی بلوچ یک سرمایه‌ی فرهنگی در ایران است.

از طرف دیگر اقتصاد خیلی از خانواده‌ها وابسته به این کار است. با در نظر گرفتن هر دو بعد بحث تجاری کردن این هنر و پیدا کردن بازارهای جدید برای آن اهمیت زیادی دارد؛ البته مشروط به اینکه اصالت این کار زیر سوال نرود، بنابراین به‌روز کردن این هنر و معرفی آن به بازارهای جهانی به طوری که با ذائقه‌ی مدرن امروز همخوانی داشته باشد، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. به نظر من خیلی از هنرها در صورت تکرار بی‌رویه، ماهیت اصلی‌شان دچار خدشه می‌شود، چشم‌ها به آن عادت می‌کند و دیگر خریدار جدیدی نخواهد داشت. شما به مردم بومی اینجا که به صورت روزمره از این پوشاک استفاده می‌کنند، نگاه نکنید.

اگر کسی از روی علاقه بیاید و یک لباس سوزن‌دوزی شده بخرد، برای بار دوم که با این کارها روبه‌رو شود، اگر تنوع یا ارتقایی در آن نبیند، هیچ دلیلی برای خرید دوباره‌ی آن نمی‌بیند، بنابراین ضروری است که طراحان لباس، دست به دست زنان سوزن‌دوز داده و به آنها ایده و طرح جدید بدهند، حتی در مورد رنگ‌شناسی به آنها کمک کنند تا شاهد تحول جدی در این زمینه باشیم و به واسطه‌ی آن بازارهای جهانی را قبضه کنیم.»

اسفندیاری از کسانی است که بر دستی بودن این هنر تاکید دارد: «نگران این هستم که با تجاری‌سازی و ماشینی‌کردن کارها هویت اصلی‌شان زیر سوال برود و مردم دچار دلزدگی شوند. این میان یک مرز شکننده وجود دارد. اگر در تجاری‌سازی کار کارشناسی و با مراقبت تمام این کار انجام نشود، خسارت زیادی را به بار آورده و پیکره‌ی این هنر دچار خدشه می‌شود. البته کماکان که به بعد تجاری فکر می‌کنیم، تا زمانی که اصالت طرح‌های دستی تحت‌الشعاع قرار نگرفته، مجازیم که وارد شویم.»

ماشینی‌شدن؛ تنها راه تجاری‌سازی

بتول زمانی، مدیر عامل موسسه فرهنگی فخر اندیشه و مدیرمسئول مجله بین‌المللی لوتوس و مدیر غرفه مشترک ایران و انگلیس معتقد است با اینکه بیشتر مدعوین جشنواره مردم بومی هستند، باز هم خیلی خوب است که به این خطه توجه شده. او به «سازندگی» می‌گوید: «این نمایشگاه را از خیلی از نمایشگاه‌های بین‌المللی که در آنها شرکت کرده‌ام، منظم‌تر می‌بینم اما انتقادی که به اصل کار دارم این است که طرح‌ها خیلی به‌روز نیست و در کل این خطه پذیرای تغییر نیست. سال ۹۴ من ماموریتی داشتم و به مناطق آزاد آمدم تا ببینم چطور می‌شود به ماجرای مد و لباس در این مناطق کمک کرد.

هیچ‌کدام از بلوچ‌ها آمادگی ایجاد تغییر نداشتند. برای همین احساس کردم کار من نیست. درحالی که این تغییر باید کم‌کم ایجاد شود.»

شاید برای همین است که او وضعیت ایران را در زمینه مد و پوشاک در سطح بین‌المللی خیلی خوب ارزیابی نمی‌کند؛ گرچه می‌گوید: «البته وضعیت ما به نسبت ۱۰ سال قبل تغییر کرده. ما در ایران محدودیت‌هایی داریم، وقتی نمی‌توانیم فشن‌شو داشته باشیم، چندان جای معرفی هم برای ما نمی‌ماند. مانکن‌های ما حتی سر و پا ندارند. نمی‌شود به شکل جدیدی یک سربند برای آنها بست! من ۲۱ سال است که کار فرهنگی می‌کنم و وقتی می‌خواهم کمی طراحی‌های جدیدتری را به مردم نشان بدهم، امکاناتش را ندارم». در مقابل اسفندیاری، این طراح کارکشته از طرفداران ماشینی کردن سوزن‌دوزی است. به عقیده‌ی او این تنها راه تجاری کردن این هنر است. او می‌گوید: «اگر ما این کار را نکنیم، چینی‌ها و ترکی‌ها دست پیش را می‌گیرند، کما اینکه تا الان هم وضع همین بوده است. کار دست برای هنر است و کار ماشین برای تجاری‌سازی.»

هدف اصلی؟ توانمندسازی زنان بلوچ

عبدالرحیم کردی، مدیرعامل منطقه آزاد چابهار هدف اصلی این جشنواره را توانمندسازی زنان بلوچ می‌داند. او در این باره به «سازندگی» می‌گوید: برای توانمندسازی زنان بلوچ نباید چیزی را از بیرون بیاوریم و به آنها دیکته کنیم یا حتی مهارت‌های جدیدی به آنها بیاموزیم. مهارت جدید خوب است، اما در گام‌های بعدی. سریع‌ترین کاری که می‌توانیم از آن جواب بگیریم و در عین حال شاهد تغییر در زندگی مردم باشیم، این است که کمک کنیم همان کارهایی را که بلدند و ظرفیت و استعداد آن را دارند، به شکل با کیفیت‌تری انجام دهند. در کنارش در ایجاد بازاریابی برای تولیداتشان کمک کنیم.

یکی از کارهایی که زنان بلوچ در کنار سایر توانمندی‌هایشان خیلی خوب به آن می‌پردازند، هنر سوزن‌دوزی است؛ هنری که اصالت ایرانی دارد و باید از آن محافظت کرد. البته با تحولاتی که دارد صورت می‌گیرد و با ارتباطات گسترده‌ای که با کشورهای خارجی برقرار است، فکر می‌کنم مانند خیلی از هنرهای ما در معرض تغییر شکل و ماهیت است؛ حتی ممکن است توسط قوم یا کشور دیگری مصادره شود، بنابراین مدتی است در چابهار به صورت گسترده بر سوزن‌دوزی تمرکز کرده‌ایم.»

کردی در رابطه با اقداماتی که انجام داده‌اند می‌گوید: «به صورت خیلی گسترده کارگاه‌های آموزشی برگزار کردیم؛ کارگاه‌های مختلفی برای اینکه افراد بتوانند برای خودشان کسب‌وکار راه بیندازند، رنگ و طرح انتخاب کنند و حتی کارشان را بسته‌بندی کنند. فروشگاه‌هایی دایر کرده و همچنین نمایشگاه‌هایی را به صورت فصلی هم در داخل ایران و هم در خارج از ایران برگزار کردیم. همه‌ی این کارها طی دو تا سه سال گذشته انجام شده است. برای اینکه این کارها سروسامان درستی بگیرند، اخیراً مجوز مدرسه‌ی عالی هنر را گرفته‌ایم. فضای این مدرسه پیش‌بینی شده و به زودی به صورت یک مجموعه‌ی مستمر و مدام راه‌اندازی می‌شود.»

او همچنین می‌گوید: «کارگاه‌هایی در این جشنواره پیش‌بینی شده که در طول آنها طرح‌های مختلفی از سوی طراحان ارائه می‌شود. من از همه‌ی شرکت‌کنندگان خواسته‌ام تا پایان نمایشگاه ایده و طرحی که ترکیبی از توانمندی‌های زنان بلوچ را با طرح‌هایی که توسط خودشان طراحی شده ارائه دهند. این پیشنهاد هم به طراحان داخلی است و هم شرکت‌کنندگان بین‌المللی. طی این ماجرا تعداد زیادی کار تلفیقی تولید می‌شود که در تلاشیم تولیدات آنها را تجاری کنیم. این بزرگترین کمکی است که به هنرمندان و صنعتگران این منطقه می‌شود. به دنبال این هستیم تا هنر دست زنان بلوچ را در لباس زنان ایرانی در نقاط مختلف ایران و حتی در کشورهای خارجی هم ببینیم. این کار با ترکیب رنگ‌ها، طرح‌ها و نوع دوخت‌های مختلف حتی برای زنان بلوچ توسعه‌ی بازار را به دنبال دارد. بهترین فضا برای توسعه‌ی بازار هم برپایی همین جشنواره‌هاست.»

اختتامیه‌ی بارانی در چابهار

شب اختتامیه جشنواره، چابهار بارانی است. بلوچ‌ها می‌گویند دومین باران جدی امسال است و خوش‌یمنی مهمان‌ها که برایمان برکت آورده‌اند. چهره‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و هنری از معاون وزیر ارشاد گرفته تا بعضی از نماینده‌های مجلس و بازیگران جمعشان جمع است.

«نگاه آمایشی برای توسعه یک ضرورت قطعی است.» این را محمد مجتبی حسینی، معاون امور هنری در وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی به «سازندگی» می‌گوید. او معتقد است: «ظرفیت‌های سیستان و بلوچستان با مرکزیت فعالیت در چابهار به عنوان منطقه آزاد ما را بر آن داشت که مد و لباس را در پایلوت چابهار دنبال کنیم و معتقدم چابهار این ظرفیت را دارد که به یکی از محورهای توسعه هنر و صنعت مد و لباس تبدیل شود.»

علی جنتی، مشاور سرپرست نهاد ریاست‌جمهوری اولین بار است که به چابهار آمده و به «سازندگی» می‌گوید: «جشنواره فرصت خوبی بود که به چابهار آمدم و با امکاناتی که در این منطقه هست آشنا شدم. به ویژه اینکه چابهار آینده‌ی بسیار نویدبخشی را دارد. طبعاً این جشنواره نه تنها در چابهار که در کل استان اثرگذار است. تا جایی که مطلعم حدود دویست هزار نفر در استان سیستان و بلوچستان به سوزندوزی مشغولند. این مسئله می‌تواند توسعه یابد و اشتغال بیشتری برای مردم این منطقه ایجاد کند.»

طیبه سیاوشی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی هم به «سازندگی» می‌گوید: «تاکنون بیشتر از مشکلات این منطقه شنیده بودیم اما خوب است از ظرفیت‌های آن هم یاد کنیم.» او معتقد است این کار روی فضای فرهنگی و اقتصادی چابهار بسیار تاثیرگذار است، البته مشروط به اینکه این کار ادامه یابد. او می‌گوید: «گرچه توجه به زنان در قومیت‌های مختلف و حمایت از توانمندی‌های آنان تاکنون کم‌رنگ بوده اما حضور ما در اینجا بهانه‌ایست تا به این مسئله بیشتر بپردازیم.»

زهره ساعی، نماینده مردم تبریز در خانه‌ی ملت هم به نمایشگاه آمده است و به «سازندگی» می‌گوید دوست دارد که در مجامع رسمی از هنر دست اقوام مختلف در لباس‌هایش استفاده کند، گرچه به عقیده او دسترسی به این لباس‌ها سخت است. او نویدی هم به زنان سوزندوز بلوچ می‌دهد: «در فراکسیون زنان از قبل کمیته‌هایی داشتیم و از طریق آنها می‌توانیم گروه‌های توانمند زنان در قومیت‌های مختلف را شناسایی کرده و آنها را به متولیان هر حوزه وصل کنیم؛ ضمن اینکه ما حامی و مشوق آنها هستیم تا فعالانه در جشنواره‌های اینچنینی حضور داشته باشند و به واسطه‌ی آن کسب‌وکارشان رونق بگیرد.» ناگفته نماند که در حاشیه‌ی بخش بین‌المللی هشتمین جشنواره مد و لباس فجر، کارگاه‌های مختلفی با حضور برخی از اساتید و طراحان داخلی و خارجی از جمله لورنزو مورگانتی، استاد موسسه آموزش عالی میلان، فشن انستیتو برپا شد.

مریم لطفی / روزنامه سازندگی

